سردار شهید حسن طهرانی‌مقدم صنعت موشکی ایران را در چه شرایطی پایه‌گذاری کرد؟

فرمانده‌ای که عمرش را صرف اقتدار و امنیت ایران کرد

■ احمد محمدتبریزی

۹ سال از شهادت سردار حسن طهرانی‌مقدم و یارانش گذشت. ۹ سال گذشته و هنوز داغ از دست دادن این فرمانده توانمند بر قلب‌های مردم ایران سنگینی می‌کند. ۲۱ آبان ۱۳۹۰ بود که خبر تلخ شهادت پدر موشکی ایران و تعدادی دیگر از پاسداران انقلاب اسلامی همه را در بهت فروبرد. انفجار پادگان شهید مدرس ملارد، فقط تهران را نلرزاند، بلکه قلب میلیون‌ها ایرانی را لرزاند و به درد آورد. سردار طهرانی‌مقدم نزد مردم فرمانده‌ای پرتلاش و خستگی‌ناپذیر بود که به دور از هیاهو برای امنیت ایران کار می‌کرد. این فرمانده توانمند از دوران دفاع مقدس تا سال‌های پس از جنگ، برای پیشرفت صنعت موشکی ایران تلاش بسیاری کرد و ماحصل فعالیت‌هایش تبدیل ایران به یکی از قدرت‌های موشکی در منطقه و جهان شد.

نخستین تلاش‌ها

این روزها که دشمنان قسم خورده جمهوری اسلامی از هیچ اقدامی جهت برهم زدن امنیت ایران فروگذار نمی‌کنند، بیشتر به اهمیت و نقش فرماندهان بزرگی چون شهید طهرانی‌مقدم و شهید شفیع‌زاده پی می‌بریم. کسانی که در روزهای سخت دفاع مقدس، با دست خالی و با تکیه بر توان و اراده خویش، سنگ بنای صنعت موشکی کشور را گذاشتند تا ایران در طول چند دهه به یکی از قدرت‌های موشکی جهان تبدیل شود.

قطعاً برای بسیاری جالب خواهد بود تا بدانند شهید طهرانی‌مقدم فعالیت‌هایش را از کجا شروع کرد و چگونه صنعت موشکی ایران را در سخت‌ترین روزهای کشور بنا نهاد. برای رسیدن به پاسخ این سؤال باید به پاییز سال ۱۳۶۰ برگردیم. پس از عملیات ثامن‌الائمه که منجر به شکست محاصره آبادان شد، از جمله غنائم به دست آمده از عراق، یک آتشبار توپخانه ۱۵۵ میلیمتری کششی بود که از جانب دشمن در شمال آبادان، بین دارخوین و پل مارد مستقر بود. این آتشبار توپخانه بلافاصله تعمیر و عملیاتی شد و در همان منطقه، علیه دشمن به کار گرفته شد.

آذر ۱۳۶۰ حاج‌حسن بعد از عملیات ثامن‌الائمه، متوجه ضعف آتش پشتیبانی خودی مستقر در خطوط مقدم جنگ شد. مدت‌ها روی این موضوع فکر کرد و سرانجام در پاییز ۱۳۶۰ طرح ساماندهی آتش پشتیبانی (خمپاره‌اندازها) را به صورت سنجیده و مدون تقدیم حسن باقری کرد.

نامه را محسن رضایی (فرمانده کل وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) امضا کرد و تحویل حسن باقری داد و شهید باقری آن را به حسن طهرانی‌مقدم داد. حاج‌حسن نامه تایپ شده را خواند و دید طرح خودش درباره ساماندهی خمپاره‌اندازها به منظور پشتیبانی از نیروهای پیاده است. در نامه خطاب به فرماندهان قرارگاه‌های قدس، نصر، فجر و فتح سپاه در جبهه‌های جنوب آمده بود: «برادر حسن مقدم به عنوان فرمانده پشتیبانی کننده آتش‌های خمپاره‌ای سپاه معرفی می‌شوند؛ لازم است با او همکاری کنید.»

هدیه الهی به رزمندگان

محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران درباره آن ماجرا چنین می‌گوید: «در جنگ بستان شهر مرزی جنوبی، با وجود آتش شدید دشمن و نبود آتش خودی، تحت فشار بودیم. شهید باقری جوانی را به‌نام طهرانی‌مقدم به من معرفی کرد که به او مأموریت تطبیق آتش‌ها را دادم. در عملیات‌های بعد، مسئول توپخانه شد و در عملیات خیبر نیز مسئولیت تشکیل واحد موشکی را به او سپردم. شهید طهرانی‌مقدم توانست مدرن‌ترین و پیچیده‌ترین صنعت نظامی را برای اولین بار در ایران راه‌اندازی کند و پدر موشکی ایران لقب گرفت.»

شهید حسن طهرانی‌مقدم این اتفاق را این‌گونه روایت می‌کند: «عملیات فتح‌المبین تمام شد. من در سپاه شوش وقتی گزارش را به آقارشید می‌دادم، دیدم آقارشید با خنده می‌گوید «مقدم برو توپخانه سپاه را سازماندهی کن. برو سراغ توپخانه». گفتم آقارشید ما داریم خمپاره را سازماندهی می‌کنیم. در عملیات فتح‌المبین (اگر اشتباه نکنم) ۱۴۸ قبضه انواع توپ‌های روسی به غنیمت سپاه درآمده بود. آن موقع سپاه ۹ تیپ داشت. قرار شد برویم آن توپ‌ها را بیاوریم و سازماندهی کنیم. شهید بزرگوار حسن شفیع‌زاده اولین نفری بود که رفتم دنبالش. بعد از عملیات فتح‌المبین از تیپ المهدی شوش آوردمش پیش خودم و آقای محمد آقایی که از مسئولان توپخانه سپاه بودند، به انضمام شهید ناهیدی. این بچه‌های نخبه باهوش را جمع کردیم و توپخانه سپاه را تشکیل دادیم.»

شهید مقدم و شهید شفیع‌زاده که ایده تشکیل توپخانه سپاه را در سر می‌پروراندند توپ‌های غنیمتی را نعمت و هدیه الهی به رزمندگان تلقی کردند و شکرانه این نعمت الهی را در سازماندهی سریع و به‌کارگیری علیه دشمن بعثی می‌دانستند. پس فرصت را مغتنم شمرده و پیشنهاد تشکیل توپخانه برای سپاه را با فرماندهی کل مطرح کردند. برادران ارتشی که توپخانه را رسته‌ای فوق‌العاده تخصصی که مهارت در آن را مستلزم آموزش‌های بلندمدت در مراکز آموزشی می‌دانستند، آن را از عهده سپاه خارج می‌دانستند و از سوی دیگر برخی فرماندهان سپاه نیز اعتقاد داشتند که یگان‌های رزمی سپاه باید سبک و چالاک باشند و نباید به تجهیزات سنگین رو بیاورند. حسن با نبوغ فکری‌ای که داشت و همواره افق‌های آینده را برآورد می‌کرد، استدلال می‌کرد که نبردهای گسترده‌تر و سخت‌تری پیش رو داریم و توپخانه ارتش کفایت پشتیبانی آتش یگان‌های خود را نمی‌کند و نمی‌توان برای یگان‌های سپاه که در حال توسعه نیز بودند به توپخانه ارتش متکی بود. بنابراین سپاه باید توپخانه‌ای قوی راه‌اندازی کند، برادر محسن رضایی با اعتماد به حاج‌حسن طهرانی‌مقدم حکم فرماندهی مرکز توپخانه را برای ایشان صادر کرد.

حاج‌حسن، شهید شفیع‌زاده را به عنوان قائم‌مقام خود تعیین و شروع به بسیج کادر کرد. بخشی از برادران که تجربه کار در ادوات، خمپاره و دیده‌بانی داشتند و بخش دیگری از برادران که خدمت سربازی را در توپخانه ارتش سپری کرده بودند، هسته اولیه توپخانه سپاه در تیپ‌ها را تشکیل دادند و همزمان گردان‌های مستقل توپخانه نیز سازماندهی شدند. در عملیات رمضان که حدود دو ماه بعد از عملیات بیت‌المقدس انجام گرفت، بخش اعظم توپ‌های غنیمتی در قالب آتشبارها و گردان‌های توپخانه در کنار توپخانه ارتش علیه دشمن بعثی به کار گرفته شد.

وحشت صدام از موشک‌های ایرانی

شهید طهرانی‌مقدم از راه‌اندازی این مرکز این گونه یاد می‌کند: «در آن زمان توپ‌های غنیمتی ما ۱۵۶ قبضه بود که همه آنها در دشت‌عباس و چناله به غنیمت گرفته شده بود. ما برادران ارتشی را برای آموزش این توپ‌ها دعوت کردیم که یک تیم از توپخانه ارتش برای ما اعزام شد و وقتی توپ‌ها را دیدند گفتند این توپ‌ها روسی هستند و آموزشی که ما دیده‌ایم توپ‌های امریکایی بوده و کاربرد این توپ‌ها را نمی‌دانیم. ما می‌خواستیم از این توپ‌ها در عملیات بیت‌المقدس استفاده کنیم ولی هیچ آموزشی ندیده بودیم. توپ‌های زیادی با مهمات خوبی داشتیم ولی برای ما کارآمد نبودند. برادر بهمن چیره‌دست به دلیل تخصصی که داشتند، توپ‌ها را راه‌اندازی کردند و مرکز تعمیر و نگهداری توپخانه راه‌اندازی شد و توپ‌ها راهی عملیات شدند. دومین نفری که به یاری ما شتافت، شهید ناهیدی بود که آموزش‌های لازم را خیلی با حوصله برای استفاده از وسایل غنیمت گرفته شده مثل ترتیل‌های فلزی، دوربین‌های پاکدو و تجهیزات نشانه‌روی به ما دادند.»

به این ترتیب اولین گام‌ها هر چند سخت و دشوار اما به خوبی برداشته شد. عزم و اراده شهید طهرانی‌مقدم و همرزمانش یارای ایستادن نداشت و هیچ سدی نمی‌توانست مانع راهشان شود. حاج‌حسن بر کار بزرگی که انجام می‌داد آگاهی داشت و می‌دانست سرانجام مسیری که آغاز کرده برای کشور ثمرات و نتایج خوب زیادی دارد.

بعد از عملیات خیبر به شهید شفیع‌زاده گفت با وجود تو و بچه‌های توپخانه دیگر نیازی به حضور من نیست و من باید بروم دنبال موشک تا دست امام در برابر توحش صدام خالی نباشد. او با انتخاب تعدادی از برادران توپخانه به سراغ رسالت جدید خود رفت و یک سالی طول نکشید که اولین موشک ایران در تأسیسات نفتی کرکوک فرود آمد (اسفند ۱۳۶۳). صدام که کاملاً غافلگیر شده بود اعلام کرد که انفجار ناشی از خرابکاری بوده و ایران موشکی در اختیار ندارد. موشک بعدی در بانک ۱۸ طبقه رافدین بغداد فرود آمد تا جایی برای انکار باقی نماند. موشک بعدی در باشگاه افسران ارتش عراق در بغداد فرود آمد و حدود ۲۰۰ نفر از فرماندهان عراقی را به هلاکت رساند.

با ادامه شرارت‌های صدام، چند موشک دیگر در همان ماه به بغداد پرتاب شد. دستیابی ایران به توان موشکی که ابتدا با خرید و در ادامه با ساخت صورت گرفت و حاصل تلاش بی‌وقفه و شبانه‌روزی حسن و یارانش بود موجب کنترل دامنه حملات صدام به شهرها و مناطق مسکونی شد.

کارهای جهادی حاج‌حسن

سردار رضایی درباره کار بزرگ شهید طهرانی‌مقدم می‌گوید: «رفیق‌دوست با حضور در لیبی، موشک‌هایی را از قذافی خریداری کرد اما پیش از اینکه این موشک‌ها را به سمت عراق هدف‌گیری کنیم متخصصان لیبیایی تجهیزات خود را در تهران جمع و به سفارتخانه‌شان منتقل کردند. در این میان شهید حسن طهرانی‌مقدم با الگوگیری از این موشک‌ها توانست همین نوع موشک‌ها را بسازد. اولین موشک ما نیز «بانک رافدین» عراق را هدف گرفت.»

پس از صدور فرمان تاریخی امام(ره) مبنی بر تشکیل نیروهای سه‌گانه سپاه پاسداران، وی در سال ۱۳۶۴ به سمت فرماندهی موشکی نیروی هوایی سپاه منصوب شد. در مهر ۱۳۸۴ به عنوان جانشین فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران حکم گرفت و ۲۵ آذر ۱۳۸۵ به عنوان مشاور فرمانده کل سپاه در امور موشکی و رئیس سازمان خودکفایی سپاه انتخاب شد. حاج‌حسن مرد کارهای سخت روی زمین مانده بود. تا کاری که راه انداخته بود روی غلتک می‌افتاد می‌سپردش به دیگری و می‌رفت سراغ کار بعدی. سازمان جهاد خودکفایی را هم خودش راه انداخت. آن‌هم وقتی که احساس کرد مفهوم کار جهادی کردن دارد از دایره‌المعارف مردم پاک می‌شود.

سردار حسن طهرانی‌مقدم تا روز آخر عمر خود نیز به عنوان مسئول این سازمان در ایجاد یک توان علمی و دانش‌پایه و زیربنایی مشغول کارهای علمی و تحقیقاتی بود و ۲۱ آبان ۱۳۹۰، در حالی که برای آزمایش موشکی آماده می‌شد، بر اثر انفجار زاغه مهمات، همراه با جمعی از همکارانش به یاران و برادر شهیدش علی پیوست.

صنعت موشکی که امروزه ایران را در تراز بالایی از بازدارندگی قرار داده و از نظر علمی و تکنولوژیکی، توانمندی و ظرفیت بالایی را برای کشور ایجاد کرده، میراث گرانقدری است که شهید طهرانی‌مقدم در تأسیس و توسعه آن نقش بی‌بدیلی داشته است. امنیت امروز ایران و پیشرفت‌های نظامی کشور مرهون تلاش و خون شهدایی مثل شهید طهرانی‌مقدم است. ایران امروز در پرتو فعالیت‌های این مردان بزرگ پراقتدار بر بلندای تاریخ ایستاده و هیچ کشوری جرئت حمله و تجاوز را به خود نمی‌دهد.

یادکرد

شهید طهرانی‌مقدم و یاران جوانش

جوانانی که مایه افتخار فرمانده‌شان بودند

■ آرمان شریف

شهید حسن طهرانی‌مقدم به انجام کار تیمی اعتقاد داشت و در تمام سال‌های فعالیت تنها نبود. همواره نیروهایی دلسوز و پرتلاش در مأموریت‌های مختلف در کنار این سردار بزرگ حضور داشتند و ایشان را همراهی می‌کردند. به همین خاطر در روز ۲۱ آبان ۱۳۹۰ در کنار شهید طهرانی‌مقدم نیروهای دیگری حضور داشتند و همراه فرمانده‌شان آسمانی شدند.

نام ۳۹ شهید در انفجار پادگان شهید مدرس ملارد دیده می‌شود. نام‌های متفاوتی از رزمنده ۵۲ساله تا جوان ۲۰ساله میان شهدا وجود دارد ولی شاید میان شاخص‌ترین یاران شهید طهرانی‌مقدم که آن روز به شهادت رسیدند بتوان به شهید مهدی نواب، مشاور و مسئول آزمایشگاه پژوهشکده و تست سوخت، مسئول سمعی بصری جهاد خودکفایی سپاه، شهید محمد سلگی، فرمانده ترابری و ماشین‌های سنگین سازمان جهاد خودکفایی سپاه و شهید مهدی دشتبان‌زاده، فرمانده پادگان شهید مدرس اشاره کرد، یارانی قدیمی که در اتفاقات بزرگ موشکی سپاه کارهای بزرگی کردند و نهایتاً با هم و کنار یکدیگر به شهادت رسیدند.

اما در کنار نیروهای باتجربه، نباید از فعالیت نیروهای جوان نیز غافل شد. شهید طهرانی‌مقدم برای نیروهای جوان ارزش زیادی قائل بود و به آنها اطمینان داشت. به همین خاطر در میان نیروهایی که با ایشان همکاری می‌کردند، چهره‌های جوان زیادی دیده می‌شد. اطمینان این فرمانده به جوانان به آنها اعتماد به‌نفس می‌داد. شهید طهرانی‌مقدم از اینکه کارهای بزرگ را به جوانان واگذار کند، ابایی نداشت و به خوبی از این موضوع استقبال می‌کرد.

تعداد جوانان شهدای غدیر زیاد است. بیشتر شهدا را جوانان تشکیل می‌دهند، نیروهای تازه‌نفس که به عشق یادگیری و خدمت به انقلاب و کشور، در حال آموختن درس‌های بزرگی بودند. شهیدان سیدمحمد حسینی فردوئی، محمدحسین زلفی، میثم جهانگیری، سیدمحمد حسینی، محمد غلامی، علی کنگرانی فراهانی، جواد سلیمی، وحید شیرمحمدلو و چندین نام دیگر از شهدای دهه شصتی هستند که در کنار فرمانده‌شان به شهادت رسیدند.

شهید سیدمحمد حسینی فردوئی جوان‌ترین شهید از مجموعه شهدای اقتدار است که دوشادوش سردار شهید طهرانی‌مقدم در جهاد خودکفایی کار می‌کرد و همزمان با او به دیار شهادت پر کشید. او در ۲۰سالگی شهادت و رستگاری را تجربه کرد و یک‌شبه ره صدساله را رفت.

شهید میثم جهانگیری متولد سال ۱۳۶۶ بود و هنگام شهادت ۲۴ سال سن داشت. شهید جهانگیری یک سال بود که نامزد کرده بود، قبل از این اتفاق آماده عروسی بود. او تمام وسایل مربوط به ازدواجش را خریده بود و آماده بود تا به زودی مراسم عروسی را بگیرد اما تمامی خریدهایش صرف مراسم شهادتش شد. شهید سیدمحمد حسینی شهید دیگری است که متولد ۱۳۶۳ بود و هنگام شهادت یک فرزند داشت. شهید طهرانی‌مقدم، سیدحسینی را خیلی دوست داشت و به عروسی‌اش رفت. شهید طهرانی‌مقدم هر وقت می‌خواست پروژه‌ای را افتتاح کند می‌گفت نخست سیدها نزدیک بیایند و می‌گفت شما برکت مجموعه هستید و پروژه باید با سیدها شروع شود.

شهید علی کنگرانی فراهانی نیز متولد ۱۳۶۴ بود. جوان، پر از نیرو و انگیزه برای کار و خدمت کردن. شهید کنگرانی در اواخر دوره سربازی بود که مورد علاقه مسئولان پادگان شهید مدرس قرار گرفت و به فعالیت در این مجموعه مشغول شد و خیلی زود توجه شهید طهرانی‌مقدم را جلب کرد. شهید کنگرانی همانند دیگر نیروها یاری صادق و امین برای شهید دشتبان‌زاده و شهید طهرانی‌مقدم بود.

همه این جوانان از نخستین روز خدمت‌شان، خودشان را برای شهادت آماده کرده بودند. آنها می‌دانستند چه کار سخت و چه مسیر حساس و دشواری را پیش روی خود دارند. تمام این جوانان مایه افتخار و مباهات فرمانده‌شان بودند. حاج‌حسن به خوبی روحیات این جوانان را می‌شناخت و با آنها مثل یک رفیق بود. این نیروهای جوان هم از اینکه فرمانده‌ای چون حاج‌حسن دارند عشق می‌کردند. این عشق و رابطه دو طرفه بین نیروها و فرمانده موجب می‌شد تا آنها با دل و جان کار کنند. آنها هم‌قسم شده بودند که تا آخرین لحظه در کنار فرمانده‌شان بمانند و برای اهداف والای او تلاش کنند. دقیقاً همین اتفاق هم افتاد و این جوانان همراه فرمانده‌شان پرواز کردند.

> **شهید طهرانی‌مقدم برای نیروهای جوان ارزش زیادی قائل بود و به آنها اطمینان داشت. به همین خاطر در میان نیروهایی که با ایشان همکاری می‌کردند، چهره‌های جوان زیادی دیده می‌شد**

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۰۶۹

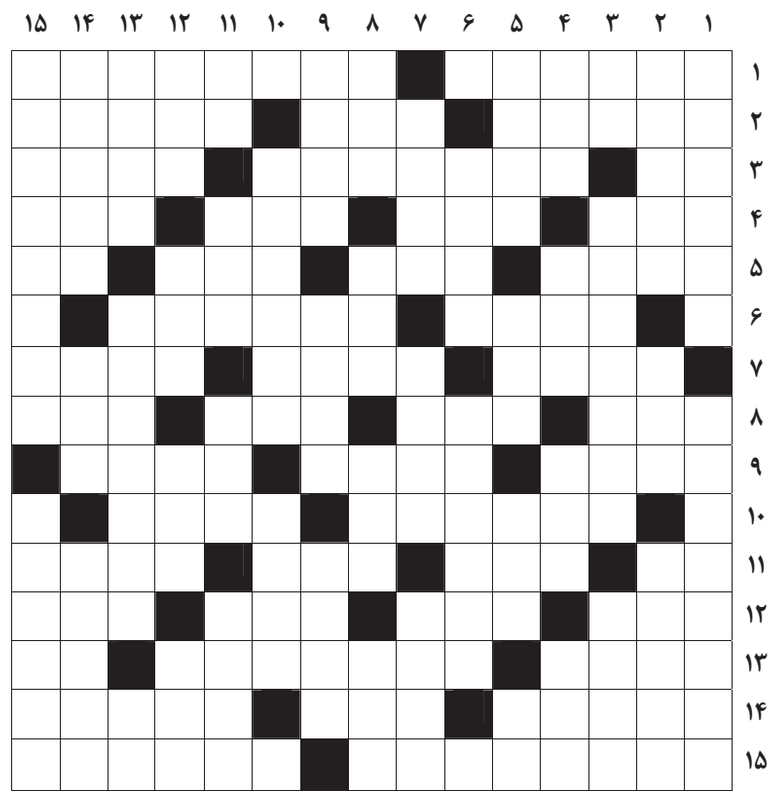

از راست به چپ

■ ۱- بنیانگذار فرانسوی علم جامعه شناسی - مؤسس حزب فاشیست ■ ۲- غیر مذهبی - پیش خرید محصولات با قیمت معین - تیم فوتبالی در ایتالیا ■ ۳- حرف دهن کجی - حاکم زندیه - بچه ■ ۴- ترک وطن - دوستی - کوه دست نیافتنی - نوبت بازی ■ ۵- کفش پاشنه بلند روسی - محل کار دکتر - گونه و نوع - زیر پا مانده ■ ۶- جدید - هم‌معنی و هم‌آوا ■ ۷- مدافع بارسا - بنا نهاده شده - فرو خورنده خشم ■ ۸- بندگاه ساعد و بازو - طرد کردن - دریاچه لرستان - ستاره‌ای ریز در دب اصغر ■ ۹- یار مهربان - بندری در جنوب - نام دیگر درنا ■ ۱۰- حکم و سخن بزرگان - یار خاک‌انداز ■ ۱۱- ویتامین جوانی - پاپوش - حرکتی در فوتبال برای تصاحب توپ - شهر زادگاه کریستف کلمب ■ ۱۲- پول خرد اسپانیا - بام دنیا - خبرگزاری فلسطین - گل خوشبو ■ ۱۳- شهری در عربستان - پایتخت اوگاندا - گیم نشده ■ ۱۴- وکیل شدن - رها و آزاد - جمع فرید ■ ۱۵- بزرگ‌ترین رود امریکا - همزمان و پیوسته

از بالا به پایین

■ ۱- شهر کالسکه‌ای - دریاچه شیشه‌ای ■ ۲- کارگردان بن هور - افکندن و انداختن - لقب امریکایی‌ها ■ ۳- شهر برج طغرل - مراجعه به دادگاه برای رسیدگی دوباره به پرونده - جامه ■ ۴- شیرینی تولد - گاو تبتی - ستاره سهیل - مظهر عدالت ■ ۵- دو رو نیست - پارسایی - مجانی - سیلی ■ ۶- جامه گشاد و بلند - بازگشت به حوادث گذشته در فیلم ■ ۷- سفره - مفهوم و مضمون کلام - حروفچینی کامپیوتر ■ ۸- از آفات مزارع - سلاح پرتابی - گردش و سیاحت - بهترین تیم ورزشی هر کشور ■ ۹- همراهی و همکاری - پول قزاقستان - اتاقک قطار ■ ۱۰- زادگاه حضرت عیسی - محله ارمنی‌نشین اصفهان ■ ۱۱- قورباغه - نیستی - سود حرام - انس گرفتن ■ ۱۲- اما - باغ غصب شده حضرت فاطمه - قرب و مقام - رقیق‌تر ■ ۱۳- پیروان حضرت موسی - پارچه کت و شلواری - یک و یک ■ ۱۴- قلب یک مرکز تلویزیونی - نیمروز - مسری ■ ۱۵- از بزرگ‌ترین بنادر ژاپن - سفت و سرد شدن روغن

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۸	۴		۹		
۶	۷							
	۳			۹		۵		
		۵	۳				۷	۸
۴					۱			
۹					۲			
			۷				۲	
			۲				۴	
	۵	۱						

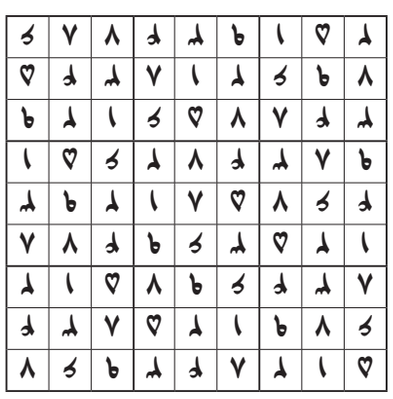

جدول کلمات متقاطع
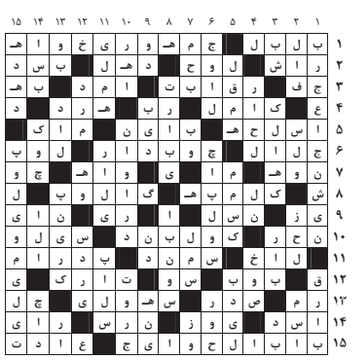
پاسخ جدول شماره ۶۰۶۸